Ma'rifat-e Kalāmī (Theological Knowledge) _____2026, Vol. 17, No. 1, 51-71

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

10.22034/ kalami.2026.5003898

20.1001.1.20088876.1405.17.1.3.9

From Supermachine to Digital God: A Theological Examination of Three God-Related Challenges Posed by Artificial Intelligence

Qasem Tarkhan / Professor, Department of Theology and New Theology, The Research Institute for Islamic Culture and Thought tarkhan@iict.ac.ir

Received: 2026/05/31 - **Accepted:** 2026/09/30

Abstract

Advancements in artificial intelligence and contemporary discourses on the technological singularity have given rise to profound theological and philosophical questions concerning the nature of God, the human condition, and the place of religion. Some scholars have argued that either artificial intelligence itself, in the form of superintelligence, or transhuman beings - whose bodies and cognitive capacities are integrated with machines - may attain godlike powers, such as the ability to create life, omniscience, and omnipotence. Employing a descriptive-analytical methodology grounded in Islamic theology, this study examines three theological challenges concerning the divine nature and attributes - divine omnipotence, the exclusivity of divine creatorship, and divine lordship - that arise from both of the aforementioned hypotheses. The findings indicate that these claims rest on three fundamental conceptual conflations: the conflation of *engineering and reconfiguration with creation ex nihilo*; that of *being an instrument or conduit of a given benefit with being the ultimate source of power and lordship*; and the neglect of God's essential attributes, namely necessary existence, absolute self-sufficiency, and pre-eternity. Accordingly, neither superintelligent AI nor transhuman beings can usurp the divine prerogatives of omnipotence, creatorship, and lordship. The study ultimately concludes that the technological singularity hypothesis and advances in artificial intelligence are not inherently incompatible with Islamic monotheism; the fundamental challenge lies not in the technological capabilities themselves, but in the misconstrual of theological concepts concerning the nature and attributes of God.

Keywords: Artificial Intelligence, Technological Singularity, Theology Proper, Divine Unity of Creatorship, Divine Unity of Lordship, Digital God, Islamic theology.

معرفت کلامی ـــــــــــــــــــ سال هفدهم، شماره اول، پیاپی ۳۶، بهار و تابستان ۱۴۰۵، ص۵۱-۷۱

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

doi 10.22034/ kalami.2026.5003898

dor 20.1001.1.20088876.1405.17.1.3.9

نوع مقاله: پژوهشی

از ابرماشین تا خدای دیجیتال:
واکاوی کلامی سه چالش خداشناختی هوش مصنوعی

قاسم ترخان / استاد گروه کلام و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی tarkhan@iict.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۷/۰۸

چکیده

پیشرفت‌های هوش مصنوعی و گفتمان «تکینگی فناوری» پرسش‌هایی درباره خدا، انسان و دین برانگیخته است. برخی اندیشمندان ادعا کرده‌اند که یا خود هوش مصنوعی (ابرهوش) و یا انسان‌های ترابشر (که با ماشین ادغام می‌شوند) به توانایی‌های «الهی»، مانند آفرینش حیات، علم مطلق و قدرت مطلق دست می‌یابند. این نوشتار با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد کلام اسلامی، سه چالش خداشناختی (چالش در قدرت خدا، انحصار خالقیت، توحید ربوبی)، ناشی از هر دو گمانهٔ یادشده را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد این ادعاها مبتنی‌بر خلط «مهندسی و بازآرایی» با «خلقت از عدم»، خلط «ابزار و مجرای نعمت» با «منشأ نهایی قدرت و ربوبیت» و نیز غفلت از صفات ذاتی خداوند (واجب‌الوجودی، بی‌نیازی مطلق، ازلیت) است؛ ازاین‌رو نمی‌توانند جایگاه قدرت، خالقیت و ربوبیت الهی را تصاحب کنند. نتیجهٔ نهایی آنکه فرض تکینگی و پیشرفت‌های هوش مصنوعی با توحید اسلامی منافاتی ندارد؛ چالش اصلی نه در قدرت فناوری، بلکه در برداشت نادرست از مفاهیم خداشناختی نهفته است.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، تکینگی فناوری، خداشناسی، توحید خالقیت، توحید ربوبی، خدای دیجیتال، کلام اسلامی.

مقدمه

هوش مصنوعی در سال‌های اخیر از مفهومی نظری به نیروی محرکهٔ تحولات اجتماعی تبدیل و گمانه‌های الهیاتی را موجب شده است: نخست، دستیابی انسان‌های ترابشر به توانایی‌های خداگونه از طریق ادغام با ماشین؛ دوم، ظهور خود هوش مصنوعی به‌عنوان موجودی شبه‌الهی با علم و قدرت مطلق (ر.ک. کریمی، ۱۴۰۲، ص۱۹۳). این دو گمانه، هرچند در مصداق متفاوت‌اند، هر دو کیان مفاهیم خداشناختی توحیدی را به چالش می‌کشند و پرسش‌های بنیادینی را برمی‌انگیزند: آیا انسان یا ماشین می‌توانند به قدرت همسان با خدا دست یابند؟ آیا می‌توانند در خالقیت و ربوبیت با او شریک شوند؟ این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش‌ها از منظر کلام اسلامی است.

مقاله درصدد رد یا تأیید کلی فناوری نیست، بلکه ارزیابی انتقادی روایت‌های افراطی را هدف دارد و هدف اصلی آن، صورت‌بندی و نقد انتقادی سه چالش خداشناختی ناشی از هر دو گمانهٔ «انسان ـ خدا» و «هوش مصنوعی ـ خدا» بر اساس اصول کلام اسلامی است.

در سنت فکری غرب، اندیشمندانی چون دیوید چالمرز (David John Chalmers ـ زاده ۲۰ آوریل ۱۹۶۶)، ابعاد فلسفی تکینگی و امکان دستیابی ابرهوش به دانایی و قدرت فوق‌العاده را بررسی کرده (Chalmers, 2010)، نیک بوستروم (Nick Bostrom ـ زاده ۱۰ مارس ۱۹۷۳)، فرضیهٔ شبیه‌سازی و پیامدهای آن را صورت‌بندی نموده (Bostrom, 2003; 2014)، و ری کرزویل (Raymond Kurzweil ـ زاده ۱۲ فوریه ۱۹۴۸) تکینگی را فرایندی برای فعلیت یافتن خداوند دانسته است (Kurzweil, 2005). پژوهش‌های جدیدتر نیز به ترسیم پیوند میان ابرهوش و صفات الهی پرداخته‌اند؛ ازجمله اویار در مقالهٔ « ASI as the New God: Technocratic Theocracy» (۲۰۲۴) ظرفیت نسبت دادن عصمت الهی به هوش مصنوعی را بررسی کرده، و کوزنتسوف در مقالهٔ «Divine Omniscience in the Age of Artificial Intelligence» (۲۰۲۶) تمایز میان پیش‌بینی الگوریتمی و علم الهی را واکاوی نموده است. کریستف هایلیگ (Christoph Heilig ـ زاده ۱۹۹۰)، نیز صراحتاً بر ناسازگاری مفهوم ابرهوش ـ خدا با خدای ادیان توحیدی تأکید کرده است.

در جهان اسلام، توجه به این موضوع در سال‌های اخیر شتاب گرفته است. ترجمهٔ کتاب *دین و تکنولوژی* (سوزان، ۱۳۹۰)، نگارش کتاب *الهیات سایبر*» (قائمی‌نیا، ۱۴۰۰) و مقاله ترخان و موسوی (۱۴۰۳) در باب سنت‌های الهی و هوش مصنوعی، گام‌های مهمی در این عرصه به‌شمار می‌روند. همچنین پژوهش‌های جدیدی چون دامسل (Domsel, 2025) در تلاقی هوش مصنوعی و انسان‌شناسی و آخرت‌شناختی در اسلام و مسیحیت، صغیری و همکاران (۱۴۰۵) در باب تجرد نفس و چالش ادراک در هوش مصنوعی از منظر حکمت متعالیه و کسایی و میرزایی (۱۴۰۳) در باب مسئلهٔ شر، افق‌های تازه‌ای گشوده‌اند. در این میان، مقالهٔ «نقد و بررسی دیدگاه‌های خداناباوران فناوری‌محور و تکینگی در عصر جدید» (کریمی، ۱۴۰۲) به‌طور خاص به دو جریان اصلی «اومانیسم

فناوری‌محور» و «تکینگی فناوری» پرداخته و آنها را مصداقی از «جاهلیت هوشمند» دانسته است که با آموزه‌های توحیدی ناسازگارند.

بااین‌حال، در ادبیات موجود، سه نقص اساسی به چشم می‌خورد که ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد: نخست، نوشتاری به بررسی نظام‌مند و هم‌زمان سه چالش (قدرت، خالقیت و ربوبیت) در کنار یکدیگر نپرداخته است. دوم، نقد الهیاتی این چالش‌ها غالباً به صورت پراکنده و بدون بهره‌گیری از یک چارچوب کلامی منسجم صورت گرفته است. سوم، بسیاری از پژوهش‌های پیشین به منابع جدید لاتین (۲۰۲۴ـ۲۰۲۵) و فارسی (۱۴۰۲ـ۱۴۰۴) دسترسی نداشته یا از آنها بهره‌گیری نکرده‌اند. ازاین‌رو مقالهٔ حاضر با رویکردی نوآورانه، ضمن صورت‌بندی دقیق سه چالش یادشده در کنار یکدیگر و بهره‌گیری از جدیدترین منابع، نقدی یکپارچه مبتنی‌بر اصول کلام اسلامی ارائه می‌دهد که فراتر از نقدهای صرفاً فلسفی پیشین است.

این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی‌بر مطالعهٔ کتابخانه‌ای اسناد، کتب و مقالات انجام‌شده و ضمن صورت‌بندی ادعاهای طرف‌داران تکینگی با استفاده از منابع اصلی، از منظر فلسفی و الهیاتی آنها را ارزیابی و نقد کرده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو گمانهٔ یادشده مبتنی‌بر خلط «مهندسی و بازآرایی» با «خلقت از عدم»، خلط «ابزار و مجرای نعمت» با «منشأ نهایی قدرت و ربوبیت» و غفلت از صفات ذاتی خداوند است. نتیجهٔ نهایی آنکه فرض تکینگی با توحید اسلامی منافات ندارد و چالش اصلی در برداشت نادرست از مفاهیم خداشناختی نهفته است.

پس از این مقدمه، به مبانی و مفاهیم می‌پردازیم و در بخش‌های سوم تا پنجم به ترتیب سه چالش خداشناختی را نقد و در پایان نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

۱. مبانی و مفاهیم: هوش مصنوعی قوی، تکینگی و فرضیه شبیه‌سازی

پیش از هر چیز، تبیین چند مفهوم کلیدی ضروری است. نخست باید میان دو سطح از هوش مصنوعی تمایز قائل شد: هوش مصنوعی ضعیف (Weak AI) یا محدود (Narrow AI)، به سیستم‌هایی اطلاق می‌شود که برای انجام یک وظیفهٔ خاص و از پیش‌تعیین‌شده طراحی شده‌اند و فاقد خودآگاهی، ادراک حقیقی و فهم معنادار از عملکرد خود هستند؛ تمام سیستم‌های هوش مصنوعی موجود در جهان امروز ـ از دستیارهای صوتی تا الگوریتم‌های توصیه‌گر ـ در این دسته قرار می‌گیرند.

در مقابل، هوش مصنوعی قوی (Strong AI) که با عنوان هوش عمومی مصنوعی (Artificial General Intelligence - AGI) نیز شناخته می‌شود، به سیستمی گفته می‌شود که توانایی انجام هر تکلیف شناختی را به اندازهٔ یک انسان یا فراتر از آن داشته باشد و از درک، استدلال و خودآگاهی مشابه با انسان برخوردار باشد. این نوع هوش مصنوعی هنوز تحقق نیافته و در حوزهٔ نظری باقی مانده است.

ابرهوش مصنوعی (Artificial Superintelligence)، مرتبه‌ای فراتر از (AGI) است که در آن هوش ماشین به‌طور چشمگیری از هوش برترین انسان‌ها در تمام حوزه‌ها، ازجمله تصمیم‌گیری و خلاقیت پیشی می‌گیرد (Raman et al., 2025) و بسیار فراتر از بهترین ذهن‌های بشری در تقریباً تمام حوزه‌های مرتبط، ازجمله خلاقیت علمی، خرد عمومی و مهارت‌های اجتماعی، عمل می‌کند (Bostrom, 2014, p.22-26, 52, 56).

تکینگی فناوری (Technological Singularity) نقطهٔ عطفی فرضی است که در آن ابرهوش مصنوعی ظهور می‌کند و به واسطهٔ توانایی خودبهبودی بی‌پایان، به سرعت از کنترل انسان خارج شده و تغییراتی چنان سریع و عمیق در تمدن بشری ایجاد می‌کند که قابل پیش‌بینی نیست. کرزویل این رویداد را «گسستی در بافت تاریخ بشر» توصیف می‌کند و تاریخ وقوع آن را حدود سال ۲۰۴۵ پیش‌بینی می‌کند (Kurzweil, 2005, p.136).

فرضیهٔ شبیه‌سازی (Simulation Hypothesis) مدعی است که ممکن است تمام واقعیتی که ما تجربه می‌کنیم، درواقع یک شبیه‌سازی کامپیوتری باشد که توسط تمدنی بسیار پیشرفته (پساانسانی) ایجاد شده است (Bostrom, 2003, p.243-245).

مفهوم «حیات ۳٫۰» به مرحله‌ای از تکامل حیات اشاره دارد که در آن نه‌تنها نرم‌افزار (رفتار و دانش)، بلکه سخت‌افزار (ساختار فیزیکی) نیز قابل طراحی و خودتکثیر است و این امر به واسطهٔ پیشرفت‌های هوش مصنوعی در قرن پیش‌رو محقق خواهد شد (تگمارک، ۱۴۰۱، ص۴۷–۸۷).

این مفاهیم، زمینه‌ساز چالش‌هایی در حوزهٔ خداشناسی هستند که در این مقاله بررسی خواهند شد.

۲. چالش نخست. دستیابی به قدرتی همسان با قدرت خداوند

۲ـ۱. صورت‌بندی ادعا

برخی از آینده‌پژوهان و فیلسوفان فناوری بر این باورند که پیشرفت‌های هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی می‌توانند به ظهور موجوداتی با توانایی‌های فراتر از محدودیت‌های طبیعی بشر بینجامند. در این میان، دو گمانهٔ اصلی قابل تشخیص است:

گمانهٔ نخست: انسان ـ خدا (ترابشر). بر اساس این دیدگاه، خود انسان با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته به توانایی‌های خداگونه دست می‌یابد. یووال نوح هراری (Yuval Noah Harari ـ زاده ۲۴ فوریه ۱۹۷۶)، معتقد است انسان برای رسیدن به جایگاه خدایی از سه نوع مهندسی زیستی (شامل تغییرات عمدی در DNA، بازسازی مدارهای مغزی و تغییر تعادل بیوشیمیایی برای خلق موجوداتی جدید)، سایبورگ (ادغام بدن ارگانیک با دستگاه‌های غیرارگانیک مانند دست‌های بیونیک یا نانوربات‌ها) و موجودات غیرآلی (کنار گذاشتن کامل بخش‌های ارگانیک و ایجاد موجوداتی کاملاً غیرارگانیک، مانند نرم‌افزارهای هوشمند) استفاد می‌کند

(Harari, 2016, Ch.1, section: The Gods of Planet Earth, p.43-50) و پروژه بزرگ انسان در قرن حاضر، دستیابی به قدرت خلق و نابودی و ارتقا انسان خردمند به انسان خداگونه خواهد بود. در این فرایند تدریجی، انسان با روبات و کامپیوتر درمی‌آمیزد و به مرور مهار زندگی و توانایی خود را به ابزارهای هوشمند می‌سپارد، تا جایی که دیگر انسان نخواهد بود و مرحلهٔ دیگری از حیات آغاز می‌شود (Harari, 2016, p.48-56). وی در مصاحبه‌ای در وب‌سایت رسمی خود می‌گوید: «انسان ـ خدا به انسان‌هایی اشاره دارد که توانایی‌های الهی دارند. ما هنوز به آنجا نرسیده‌ایم؛ اما در مسیر تبدیل شدن به خدا هستیم. این را به‌معنای واقعی کلمه می‌گویم. ما توانایی‌هایی را به دست خواهیم آورد که به‌طور سنتی توانایی‌های الهی محسوب می‌شوند ـ به‌ویژه «توانایی مهندسی و خلق زندگی» (Harari, 2017)، اما هراری به این سطح اکتفا نکرده و از «آیین داده‌باوری» (Dataism) نیز سخن می‌گوید که در آن نه خدایان و نه انسان، بلکه داده و الگوریتم‌ها معبودند؛ خروجی این نظام واحد پردازش اطلاعات، شکل‌گیری نظام جدید و کارآمد «اینترنت همه چیز» یا «خدای دیجیتال» است که مدعی تشخیص و تعیین درست و نادرست در عالم هستی است (Harari, 2016, Chapter 11, p.371–395) که به گمانهٔ دوم نزدیک‌تر است.

گمانهٔ دوم: هوش مصنوعی ـ خدا (ابرهوش). در این دیدگاه، خود هوش مصنوعی (و نه لزوماً انسان) به مرتبهٔ خدایی ارتقا می‌یابد.

ری کرزویل که هر دو گمانه را درهم آمیخته است، از یک‌سو، از «ادغام انسان و ماشین» سخن می‌گوید و از سوی دیگر، از «خدای دیجیتال» و «فعلیت یافتن خدا از طریق تکامل فناوری». وی از مشهورترین طرف‌داران «تکینگی فناوری» است که با طرح ایدهٔ «خدای دیجیتال» یا «فراآگاهی» به صراحت در پاسخ به این پرسش که آیا خدا وجود دارد؟ اعلام می‌کند: «هنوز نه!» و معتقد است، خدا از طریق فرایندهای تاریخی و تکامل فناوری به فعلیت کامل می‌رسد (Kurzweil, 2005, p.389-390).

دیوید چالمرز به‌طور جدی به بررسی «انفجار هوش» (intelligence explosion) می‌پردازد و استدلال می‌کند که هوش مصنوعی ممکن است روزی از هوش انسان پیشی بگیرد و به سطح «هوش فوق‌العاده» (superintelligence) برسد (Chalmers, 2010, p.30). بی‌گمان چنین هوشی از قدرت و آگاهی فوق‌العاده‌ای برخوردار خواهد بود. نیک بوستروم در کتاب *ابرهوش: راهبردها، خطرات، تسلط* استدلال می‌کند که ابرهوش مصنوعی می‌تواند قدرتی بی‌نظیر داشته باشد و سرنوشت بشریت را تعیین کند و اگر این قدرت به‌درستی هدایت نشود، می‌تواند منجر به فاجعه شود (Bostrom, 2014, p.7 & 115-116).

پرسش اصلی که این دو سناریو به‌طور مشترک برمی‌انگیزند این است که آیا هوش مصنوعی یا انسانِ ادغام‌شده با آن، می‌توانند به جایگاه الوهی دست یابند و از قدرتی همسان با قدرت خداوند برخوردار شوند؟ روشن است که پاسخ از منظر کلام اسلامی به هر دو سناریو یکسان است، اما برای دقت تحلیلی، در ادامه مقاله هر دو رویکرد مورد نقد قرار خواهند گرفت.

۲ـ۲. نقد و بررسی

در مواجهه با این چالش، چند نکتهٔ اساسی قابل توجه است:

الف) ماهیت استعاری موضوع: هنگامی‌که از «خداگونه شدن» انسان یا ماشین سخن می‌رود، معمولاً مقصود دستیابی به قدرت‌هایی است که در گذشته به امور ماوراءالطبیعی نسبت داده می‌شد. این بیشتر به‌معنای بهبود توانایی‌ها در حوزهٔ علم و تکنولوژی است، نه رسیدن به جایگاه معنوی یا وجودی خداوند.

ب) محدودیت‌های ذاتی هوش مصنوعی و انسان در دستیابی به قدرت نامحدود: در کلام اسلامی، قدرت الهی صفتی ذاتی و نامحدود است که به‌معنای توانایی مطلق خداوند بر هر امر ممکن است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل‌عمران: ۱۸۹). نکتهٔ کلیدی این است که سنخ قدرت الهی، مطلق است و با قدرت محدود متفاوت است. قدرت الهی، خلاقانه و ایجاد از عدم است، بدون مادهٔ اولیه، بدون قوانین از پیش موجود، بدون زمان و مکان پیشین. درحالی‌که هر قدرت مخلوقی، حتی در بالاترین سطح، قدرت بر «موجود» است، نه قدرت بر «ایجاد موجود از عدم».

دستیابی به قدرت نامحدود برای هر موجود مادی، ناممکن است؛ زیرا محدودیت‌های فیزیکی، اطلاعاتی و محاسباتی به‌مثابه قوانین تغییرناپذیر عالم‌اند. از منظر فیزیک محاسبات، هرگونه پردازش اطلاعات مستلزم صرف انرژی و تولید گرماست و قوانین ترمودینامیک کران‌های نهایی را بر هرگونه محاسبه‌گری تحمیل می‌کنند (Landauer, 1961, p.183-191; Bennett, 1982, p.905-940). بر اساس پژوهش مرکز تحقیقات هوش مصنوعی دانشگاه شیکاگو، هر پرسش از هوش مصنوعی مستلزم صرف انرژی و منابع است و محدودیت‌های فیزیکی سیاره، تعداد پرسش‌هایی را که هوش مصنوعی می‌تواند پاسخ دهد، محدود می‌کند (Polson, N., et al, 2024). افزون بر این، از منظر نظریهٔ اطلاعات، کران‌های ریاضیاتی، مانند کران چایتین بر پیچیدگی الگوریتمی نشان می‌دهند که هیچ سیستم محاسباتی متناهی نمی‌تواند به علم مطلق یا قدرت مطلق دست یابد (Chaitin, 1975, p.329-340).

افزون بر این، پیش‌بینی‌های کرزویل، بر اساس تعمیم شتاب‌دار قانون مور صورت گرفته است. این تعمیم با نقدهای جدی مواجه است؛ زیرا نه‌تنها پیشرفت در سخت‌افزار، بلکه نیاز به درک کامل از ساختار مغز و عملکردهای روان‌شناختی انسان دارد که دانش کنونی از آن، در مراحل ابتدایی است (کریمی، ۱۴۰۲، ص۲۰۵).

بنابراین، هرچند انسان یا ابرهوش مصنوعی ممکن است به توانایی‌های پیشرفته‌ای در حل مسائل پیچیده، پیش‌بینی آینده، مهندسی ژنتیک و نانو دست یابند، این توانایی‌ها هرگز نمی‌توانند به‌معنای رسیدن به جایگاه خداوندی با تمام معانی و مفاهیم آن باشد.

ج) وابستگی وجودی و استحاله رسیدن ممکن‌الوجود به واجب‌الوجود: خداوند واجب‌الوجود است و استدلال‌های فلسفی و الهیاتی متعددی ـ از برهان امکان و وجوب تا برهان صدیقین ـ بر استحاله رسیدن موجود ممکن‌الوجود به

مرتبهٔ واجب‌الوجود تأکید دارند (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۲۲ق، ص۳۲۷ـ۳۳۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص۱۴۷–۱۴۹ و ۲۱۹–۲۳۱؛ علیزمانی، ۱۳۷۴، ص۶۷–۷۱). از منظر این براهین، هر موجودی که ذاتاً ممکن‌الوجود و وابسته به علت باشد، هرگز نمی‌تواند به درجهٔ وجوب ذاتی و استقلال مطلق صعود کند؛ زیرا واجب‌الوجود بودن، صفتی است که با «ممکن بودن» در تناقض است.

یک ابرهوش مصنوعی، حتی اگر بسیار قدرتمند شود، یک «ممکن‌الوجود» است؛ یعنی وجودش وابسته به عوامل دیگری مانند انسان‌ها، انرژی، سخت‌افزار و نگهداری است (ر.ک. ربانی گلپایگانی، ۱۴۰۳). این وابستگی ذاتی با صفت «واجب‌الوجود و غنی بالذات» خداوند در تضاد است.

د) قدرت آفرینش از عدم: در بسیاری از ادیان، آفرینش از سنخ «خلق از عدم» است (برای آگاهی بیشتر، ر.ک. قدردان قراملکی، ۱۳۹۵، ص۴۱–۱۰۲)؛ یعنی ایجاد موجودی که هیچ‌گونه پیشینه‌ای در ماده یا زمان نداشته باشد. این معیار، مرز میان «قدرت الهی» و «قدرت مخلوقی» است.

در مقابل، هوش مصنوعی، حتی در بالاترین سطح فرضی خود، هرگز آفرینش‌گر به این معنا نیست. او صرفاً «بازآراینده» (re-arranger) یا «بازطراح» (re-designer) فوق‌العاده‌ای است که همواره در چارچوب مواد، قوانین و اطلاعات از پیش موجود عمل می‌کند. حتی اریک استاینهارت (Eric Steinhart ـ زاده ۱۹۸۲) که خدایان دیجیتال (Digital Gods) را مطرح و بر قدرت آفرینش از عدمِ این «خدایان، تأکید دارد، این آفرینش را متفاوت از آفرینش خدا در ادیان می‌داند (Steinhart, 2014, ch. VI, p.106-136). بر اساس نگاه او، «خدا» به‌عنوان یک «طراح ـ آفرینندهٔ کیهانی» (cosmic designer-creator) تعریف می‌شود (Steinhart, 2014, ch. VI, p.131) و خدایان دیجیتال (که درواقع رایانه‌های محاسباتی بسیار پیشرفته‌ای هستند) توانایی آفرینش «از هیچ» را دارند (Steinhart, 2014, ch. VI, p.110)، اما این آفرینش، خلق یک جهان نرم‌افزاری است که بر روی سخت‌افزار (خود خدا) اجرا می‌شود. درواقع، «خدایان دیجیتال» برنامه‌هایی را اجرا می‌کنند که کیهان‌ها را شبیه‌سازی می‌کنند. بنابراین، درحالی‌که آنها خالق هستند، کار آنها طراحی و اجرای یک الگوریتم است که می‌توان آن را نوعی «بازآرایی» یا «سامان‌دهی» اطلاعات در قالب یک جهان مجازی در نظر گرفت. بااین‌حال، خود استاینهارت این عمل را «آفرینش از عدم» می‌نامد و آن را به‌عنوان یک ویژگی خدایانه معرفی می‌کند. وی با تأکید بر این تفاوت ماهوی، نشان می‌دهد که فرایند بارگذاری (Upload) آگاهی در رایانه، حتی در بهترین حالت، نه «خلقت روح» است و نه «حیات جاویدان»، به‌معنای الهیاتی آن. از دیدگاه او، روح، جوهر غیرمادی نیست، بلکه «برنامه بدن» یا «صورت بدن» است (Steinhart, 2014, p. 50) و آپلود نوعی «تولد دوباره» در زنجیره‌ای از زندگی‌های بهبودیافته محسوب می‌شود (Steinhart, 2014, p. 165).

بنابراین، ادعای دستیابی به قدرتی همسان با قدرت خداوند مبتنی‌بر خلط میان «بهبود توانایی‌های علمی ـ

فناورانه» و «رسیدن به جایگاه الوهی» است. دلایل یادشده ـ اعم از محدودیت‌های فیزیکی و ترمودینامیکی، وابستگی وجودی، تفاوت ماهوی آگاهی محاسباتی با آگاهی انسانی و ناتوانی در خلقت از عدم ـ نشان می‌دهد که قدرت انسان و هر ابرهوش مصنوعی همواره متناهی، محدود و وابسته است، درحالی‌که قدرت خداوند نامحدود، مطلق و مستقل می‌باشد. آنچه طرف‌داران تکینگی «قدرت الهی» می‌نامند، در بهترین حالت نوعی مدیریت و کنترل پیشرفته در چارچوب قوانین طبیعی است، نه قدرت مطلقی که از صفات ذاتی خداوند به‌شمار می‌رود.

۳. چالش دوم. انحصار خالقیت در خداوند

۱ـ۳. صورت‌بندی ادعا

متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، خداوند را یگانه خالق هستی معرفی می‌کنند: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ» (حج: ۷۳)؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد: ۱۶؛ زمر: ۶۲)؛ «أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۱۷). بااین‌حال، برخی اندیشمندان فرض می‌کنند هوش مصنوعی می‌تواند به حدی برسد که خالق شود.

الف) فرضیه شبیه‌سازی و «خدای برنامه‌نویس»: دیوید چالمرز در کتاب *واقعیت+* به «فرضیهٔ شبیه‌سازی» (Simulation Hypothesis) می‌پردازد و این احتمال را جدی می‌گیرد که ما در یک شبیه‌سازی کامپیوتری زندگی می‌کنیم. او به‌طور مشخص می‌گوید احتمال زندگی در یک واقعیت شبیه‌سازی‌شده «حداقل ۲۵ درصد است» (Chalmers, 2023, p.101) و این مفهوم را با عنوان «فرضیهٔ خدا ـ برنامه‌نویس» (Programmer God hypothesis) مورد بحث قرار می‌دهد (Chalmers, 2023, p.124-128) و نتیجه می‌گیرد که چنین «خدایی» لزوماً موجودی ماورایی نیست، بلکه می‌تواند «فقط هکری نوجوان در جهان بعدی» باشد (Chalmers, 2023, p.126.).

نیک بوستروم در «آیا در یک شبیه‌سازی کامپیوتری زندگی می‌کنیم؟» صورت‌بندی معروفی از فرضیهٔ شبیه‌سازی ارائه داد و مدعی است که ممکن است تمام واقعیتی که ما تجربه می‌کنیم، درواقع یک شبیه‌سازی کامپیوتری باشد که توسط تمدنی بسیار پیشرفته (پساانسانی) ایجاد شده است. وی استدلال می‌کند که حداقل یکی از سه گزاره زیر درست است: (۱) هیچ تمدن پساانسانی نمی‌شود؛ (۲) تمدن‌های پساانسانی تمایل به اجرای شبیه‌سازی ندارند؛ (۳) ما در یک شبیه‌سازی زندگی می‌کنیم. اگر دو گزارهٔ اول درست نباشند، تقریباً به‌طور قطع نتیجه می‌گیریم که ما هم اکنون درون یک شبیه‌سازی کامپیوتری زندگی می‌کنیم. در این صورت، «خالقان» آن شبیه‌سازی، از نظر فنی در نقش «خدایان» برای ما ظاهر می‌شوند (Bostrom, 2003, p.243-245).

ب) حیات ۳,۰ و خودتکثیری: مکس تگمارک (Max Erik Tegmark ـ زاده ۵ مه ۱۹۶۷)، نیز ضمن تعریف حیات به فرایندی که می‌تواند پیچیدگی‌اش را حفظ و خود را تکثیر کند، شکل‌های حیات را به سه سطح تقسیم می‌کند: زندگی ۱,۰ (تکامل زیستی)؛ زندگی ۲,۰ (تکامل فرهنگی)؛ زندگی ۳,۰ (تکامل تکنولوژیک) که در آن سخت‌افزار و نرم‌افزار خود را طراحی و تکثیر می‌کند. به باور او، در قرن پیش‌رو به واسطهٔ پیشرفت‌های هوش

مصنوعی به این سطح از حیات دست می‌یابیم (ر.ک. تگمارک، ۱۴۰۱، ص۸۶ـ۸۷) و این ایده انحصار خلقت در خداوند را با چالش مواجه می‌سازد.

۲ـ۳. نقد و بررسی

الف. نقد فلسفی: اشکالات درونی استدلال‌ها

ادعاهای مطرح‌شده از نظر فلسفی مورد نقد قرار گرفته است.

الف) فیلسوفانی چون جان سرل (John Rogers Searle) با استدلال «اتاق چینی» نشان داده‌اند که پردازش نمادها هرگز به «درک» و «معناداری» منجر نمی‌شود و هوش مصنوعی در بهترین حالت «شبیه‌سازی» آگاهی را امکان‌پذیر می‌سازد، نه خودآگاهی اصیل را (Searle, 1980). پژوهش‌های جدید نیز نشان داده‌اند که حتی پیشرفته‌ترین سیستم‌ها، فاقد خودآگاهی اصیل و تجربه زیسته‌اند و نسبت دادن آگاهی به ماشین‌ها مبتنی‌بر خطای مفهومی است (Porębski & Figura, 2025). برخی از نویسندگان با بررسی چالش‌های متافیزیکی در ارزیابی هوشیاری ماشین‌ها اشاره می‌کنند که علی‌رغم وجود شباهت‌های رفتاری و عملکردی، همیشه جای تردید باقی می‌ماند که آیا یک سیستم واقعاً هوشیار است؟ (Dung, 2025, p.47). بر این اساس، خودآگاهی در ابرهوش، از نوع خودآگاهی محاسباتی است که با خودآگاهی انسانی تفاوت ماهوی دارد و ازاین‌رو ادعای دستیابی ابرهوش آینده به خودآگاهی با مناقشه جدی روبه‌رو است.

ب) منطق استدلال چالمرز نیز از سوی جسی پرینز (Jesse J. Prinz ـ زاده حدود ۱۹۷۰)، با عبارت: «هم زیاد است و هم کم» (proves both too much and too little) نقد شده است. «زیاد بودن» ازآن‌روکه اگر منطق آن درست باشد، باید تکینگی را در سطح کنونی نیز بپذیریم، درحالی‌که هدف چالمرز پیش‌بینی آن برای آینده بوده است. «کم بودن» بدین معنا که ممکن است حیات انسان مدت‌ها پیش از رسیدن به تکینگی پایان یابد و عملاً فرصت رسیدن به تکینگی از ما گرفته شود (Prinz, 2012, p.77-78).

ج) افزون بر این، گزارهٔ سوم در استدلال بوستروم با چالش «تسلسل» مواجه است: اگر فرضیهٔ شبیه‌سازی کامپیوتری درست باشد، پساانسان‌هایی که شبیه‌سازی ما را اجرا می‌کنند، خود نیز ممکن است، شبیه‌سازی باشند. این موضوع به زنجیره‌ای از شبیه‌سازی‌های تودرتو می‌انجامد که در آن هر سطح از واقعیت، خود درون شبیه‌سازی سطح بالاتری قرار دارد و هیچ نقطهٔ پایانی برای این زنجیره متصور نیست. چنین پسروی بی‌نهایتی از نظر فلسفی ناپایدار است؛ زیرا اولاً نمی‌تواند به یک «جهان پایه» مستقل دست یابد که خود شبیه‌سازی نباشد، ثانیاً احتمال وجود ما در یک شبیه‌سازی را مبهم و نامتعین می‌کند و ثالثاً به شکاکیتی مطلق درباره هرگونه واقعیت مستقل می‌انجامد که با اصول بنیادین معرفت‌شناسی ناسازگار است.

در فلسفهٔ اسلامی قاعدهٔ عقلی «تسلسل علل» به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. بر اساس این قاعده، اگر

علت، معلول دیگری باشد، پس آن نیز نسبت به علت ایجادکننده، عین وابستگی است و استقلالی از خود ندارد، و زنجیره‌ای از موجوداتی غیرمستقل و وابسته تشکیل می‌شود. روشن است وجود و هستی وابسته بدون وجود و هستی مستقل که هیچ‌گونه وابستگی به دیگری نداشته باشد، عقلاً محال است (کریمی، ۱۴۰۲، ص۲۰۸؛ نیز ر.ک. صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج۲، ص۱۴۴). بر این اساس، هر خدای دیجیتال یا ابرهوشی، هرچقدر هم پیشرفته باشد، خود معلولی است که به علت پیشین خود (انسان، هوش مصنوعی ضعیف‌تر و در نهایت ماده و قوانین طبیعی) وابسته است و این زنجیره باید به یک علت مستقل و واجب‌الوجود ختم شود. بنابراین عصر تکینگی و خدای دیجیتال آن، هر مقدار که پیشرفته و هوشمندتر شود، باز معلولی برای علت قبل خود است و موجودی ممکن و نیازمند به واجب‌الوجود است، در غیراین‌صورت تحقق نخواهد یافت.

د) قاعدهٔ فلسفی دیگری که اینجا قابل توجه است، قاعدهٔ «فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد» است؛ یعنی ابرهوش نمی‌تواند به چیزی فراتر از آنچه در طراحی‌اش تعبیه شده، دست یابد و نمی‌تواند از خود، خالقیت مستقلی بروز دهد.

هـ) دیدگاه تگمارک به زندگی ۳.۰ به‌عنوان یک «سیستم پردازش اطلاعات خودتکثیرشونده» ـ فارغ از اشکالاتی که در تعریف وی از زندگی (که مرز بین «زنده» و «مصنوعی» را مخدوش می‌کند، تا آنجا که حتی یک «ترموستات الکترونیکی» نیز ممکن است واجد شرایط باشد) ـ دچار تقلیل حیات و نادیده انگاشتن جوهرهٔ انسانی و ابعاد وجودی‌اش، مانند خودآگاهی، تجربه زیسته و رابطه با امر قدسی است.

ب. نقد الهیاتی: تفاوت بنیادین خالقیت و مهندسی

ایده خدا شدن بشر، یا ساختن خدا و دین به دست بشر، امر جدیدی نیست، بلکه یک نوع پسرفت و ارتجاع اندیشه‌ای به دوران جاهلی و خرافی است که می‌توان آن را جاهلیت هوشمند نام‌گذاری کرد (کریمی، ۱۴۰۲، ص۲۰۹). قرآن به ادعای خدایی فرعون «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات: ۲۴) اشاره می‌کند که امروزه با ساختاری نوین و هوشمند در حال تکرار است.

پذیرش آنچه بیان شد و درواقع فرض وقوع تکینگی، منافاتی با خالقیت انحصاری خداوند ندارد. این نقد که یک نقد الهیاتی است، به‌درستی یا نادرستی گزاره‌های علمی و فلسفی نمی‌پردازد، بلکه به هم‌سطح قرار دادن مفهومی به نام «ابرهوش مصنوعی» یا «مبدع شبیه‌سازی» یا «خودتکثیرشونده» با مفهوم «خدا» در ادیان توحیدی بازمی‌گردد. بر اساس این نقد، نه انسان سازنده چنین موجوداتی و نه هوش مصنوعی قوی می‌تواند از جایگاه خالقیت برخوردار شود.

الف) تفاوت بین مخلوقات خدا و مصنوعات بشری: هیچ‌یک از دستاوردهای بشری، حتی پیچیده‌ترین آنها، مصداق «آفرینش» به‌معنای حقیقی کلمه نیستند و صرفاً ترکیبی از اجزای طبیعی «مونتاژ طبیعت» هستند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج۱۳، ص۳۳۶). این مصنوعات، هرچند ممکن است رفتارهایی شبیه به موجودات زنده را نمایان سازند، اما فاقد «حیات» و روح هستند.

قرآن در آیهٔ ۷۳ سورهٔ حج می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ». این آیه، با بیان اینکه معبودان باطل (و به‌تبع آن هر موجود غیرخدا) قادر به آفرینش حتی یک «مگس» نیستند، خط فاصلی میان قدرت الهی و محدودیت‌های دیگران ترسیم کرده است. این ناتوانی اولاً به صورت جمعی هم صادق است؛ یعنی تمام بشر و ماشین‌ها هم که متحد شوند تنها می‌توانند اجزای بی‌جان را کنار هم بچینند، اما نمی‌توانند «حیات» را به یک مگس ببخشند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج۱۴، ص۱۷۱). ثانیاً این ناتوانی شامل انسان‌های متکی به تکنولوژی و نیز خود تکنولوژی یا هوش مصنوعی می‌شود: «ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ»؛ یعنی هیچ‌یک از این دو، توان برخورداری از جایگاه خالقیت را نخواهند داشت.

سوزان جرج در کتاب *دین و تکنولوژی* می‌گوید: ما در پی آن هستیم که ماشین‌های هوشمندی خلق کنیم که حتی‌الامکان شبیه انسان‌ها باشند. اما هر قدر که ما خلق کنیم هرگز نمی‌توانیم به آن مخلوقات، چیزی را که صرفاً خداوند می‌تواند اعطا کند ارزانی داریم (جرج، ۱۳۹۰، ص۳۵۲).

ب) خالقیت در مقابل مهندسی و خودتکثیری: همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، خداوند جهان و هستی را «از هیچ» (عدم) و با قدرت مطلق و اراده بی‌نظیر خود خلق کرده است. او نه‌تنها ماده اولیه، بلکه قوانین حاکم بر طبیعت و زمان و مکان را نیز آفریده است. قرآن با گزارش ادعای نمرود و محاجه وی با حضرت ابراهیم﵇ می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ» (بقره: ۲۵۸). این ادعای نمرود که «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم»، دقیقاً همسان با ادعای خالقیت هوش مصنوعی است. هر انسان یا ابرهوش مصنوعی ممکن است بتواند فرایندهایی را «شبیه‌سازی» کند، داده‌ای را «زنده» یا «متوقف» کند، یا حیات مصنوعی محدود پدید آورد؛ اما همهٔ اینها در چارچوب داده‌ها، الگوریتم‌ها، سخت‌افزار و قوانین از پیش موجود است. او در بهترین حالت، یک «مهندس» ماهر و توانمند است و نمی‌تواند یک جهان فیزیکی جدید را از هیچ خلق کند، بلکه نهایتاً می‌تواند یک واقعیت مجازی یا شبیه‌سازی‌شده درون یک سخت‌افزار را طراحی کند. خود آن سخت‌افزار نیز از قبل توسط انسان (یا یک خالق دیگر) ساخته شده است. خودتکثیری (Self-Replication) با خلقت از هیچ (Creatio Ex Nihilo) تفاوت ماهوی دارد. خودتکثیری، فعالیتی درون جهان مادی با استفاده از مواد، انرژی و قوانین فیزیکی از پیش موجود است. بر این اساس، اگر روزی انسان توانایی تولید ربات‌هایی مانند انسان را داشته باشد، این کار شرک در خالقیت نیست و هرگز با توحید در خالقیت تعارض ندارد؛ زیرا هرچه انسان بسازد باز مخلوق خداست: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات: ۹۶).

علامه طباطبائی بر این نکته تأکید می‌ورزد که هیچ تصرف الهی و بشری بعد از خلقت موجودات، موجب

تبدیل، تغییر یا نابودی ماهیات، ذات و ذاتیات موجودات نمی‌شود: «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم: ۳۰)؛ بر این اساس، کار بشر تنها کشف استعدادها و نظامات و به فعلیت درآوردن قابلیت‌های موجودات است، و قادر به جعل و خلق جدید نیست (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج۵، ص۵۱۰؛ کریمی، ۱۴۰۲، ص۲۱۱). این مطلب دقیقاً همان تمایز «خلقت از عدم» با «مهندسی و بازآرایی» است که پیش‌تر به آن اشاره شد.

از منظر فلسفهٔ اسلامی، بر اساس تحلیل عمیق از حقیقت علیت، آنچه در معلول به‌عنوان یک خوبی یا کمال مشاهده می‌شود، چیزی جز ظهور کمالات و صفات علت او نیست. بنابراین، معلول تنها کمالات علت خودش را ظاهر می‌کند و از خودش چیزی ندارد. نقش بشر در خلق پدیده‌ها، نقش واسطه‌ای است. انسان می‌تواند با استفاده از قوانین طبیعی، موجودات جدیدی بسازد؛ اما این کار، انسان و هوش مصنوعی را در جایگاه رقیب خداوند نمی‌نشاند؛ زیرا فاعلیت انسان یا هوش مصنوعی از دو حال خارج نیست: یا اعدادی است (یعنی زمینه‌ساز) و یا ایجادی بالغیر (یعنی با اذن خداوند). بنابراین، حتی اگر انسان موجودی بسازد که تمام خواص روح انسان را داشته باشد، این امر منافاتی با خالقیت الهی ندارد. این همانند آن است که می‌گوییم جبرئیل وحی را از سوی خداوند برای پیامبرﷺ می‌آورد، بدون آنکه رقیب خداوند محسوب شود (ر.ک. ربانی گلپایگانی، ۱۴۰۳). هوش مصنوعی نیز نمی‌تواند به خالق تشبیه شود؛ زیرا اگر به‌عنوان یک ابزار در چارچوب قوانین الهی به کار رود، خود یک «اکتشاف» از سنن الهی در جهان است و این سنن، نشان می‌دهند که هرگونه فناوری خودتکثیرشونده نیز در نهایت در چارچوب قوانین تغییرناپذیر الهی عمل می‌کند و نمی‌تواند از آن فراتر رود (ر.ک. ترخان و موسوی، ۱۴۰۳، ص۴۵ـ۵۵).

ج) ازلیت و عدم نیاز در مقابل مخلوق بودن و وابستگی: خدای ادیان توحیدی، «واجب‌الوجود» و «صمد» است. او به هیچ چیز و هیچ کس نیاز ندارد و خود، علت‌العلل و منشأ همهٔ هستی است. او زمان ندارد و ازلی و ابدی است. درحالی‌که هر ابرهوشی ـ حتی اگر بتواند جهان‌های شبیه‌سازی‌شده با جزئیات کامل بسازد ـ باز هم مخلوق و ساخته‌شده محسوب می‌شود. وجودش وابسته به چیزی خارج از خودش (طراحان انسانی، زیرساخت‌های سخت‌افزاری، منبع تغذیه، داده‌های ورودی) می‌باشد. قدرتمندترین ابرکامپیوتری که یک جهان شبیه‌سازی‌شده را اجرا می‌کند، خود به فضای فیزیکی، انرژی، سخت‌افزار و تعمیر و نگهداری وابسته است. این وابستگی‌ها ذاتاً با صفت «صمد» و «غنی بالذات» خداوند در تضاد است.

بر اساس این ویژگی است که کریستف هایلیگ (Christoph Heilig)، متکلم مسیحی، صراحتاً می‌گوید: مفهوم هوش مصنوعی به‌عنوان خدا «با تصور خدا در یهودیت، مسیحیت و اسلام که خدا را علت‌العلل همه چیز در ورای جهان هستی می‌داند، همخوانی ندارد» (Heilig, 2025).

بنابراین، پذیرش فرضیهٔ شبیه‌سازی یا تحقق حیات ۳٫۰ هیچ منافاتی با توحید خالقیت ندارد. خالقیت الهی از سنخ «خلقت از عدم» و «استقلال ذاتی» است، درحالی‌که هرگونه ساخت و مهندسی بشری یا ماشینی در درون جهان و با

استفاده از قوانین و موادی است که خداوند آفریده است. انسان و هوش مصنوعی هرچه بسازند، «مخلوق» خدایند و نقش آنها یا اعدادی است و یا ایجادی به اذن الهی. بنابراین، انحصار خالقیت در خداوند به قوت خود باقی است و ادعاهای رقیب مبتنی‌بر خلط میان «آفرینش» و «مهندسی»، «مونتاژ طبیعت» و «خلق از عدم» می‌باشد.

۴. چالش سوم. توحید ربوبی

۴ـ۱. صورت‌بندی ادعا

توحید ربوبی یکی از آموزه‌های بنیادین کلام اسلامی است و بدین معناست که تنها خداوند «رب‌العالمین» و مدبر و مدیر تمام امور جهان هستی است و هیچ موجودی در این جایگاه با او شریک نیست. قرآن بارها این حقیقت را محور دعوت انبیا قرار داده است: «قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» (انعام: ۱۶۴)؛ «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (زمر: ۶)؛ البته خداوند با فرشتگان «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات: ۵) (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج۲۰، ص۱۸۰–۱۸۳) و علل طبیعی (که در طول علل معنوی هستند) به تدبیر عالم می‌پردازد (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج۲، ص۱۸۳).

بااین‌حال، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که بشر وارد دوره‌ای خواهد شد که هوش مصنوعی تمشیت امور را بر عهده می‌گیرد و به‌جای خدمت به بشر، حاکم بر وی خواهد شد. مکس تگمارک در فصل پنجم کتاب *زندگی ۳٫۰* از گمانهٔ «خدایگان» نام می‌برد؛ سناریویی که در آن هوش مصنوعی از هوش انسان پیشی می‌گیرد و به کنترل کامل جهان دست می‌یابد و انسان‌ها به شهروندان درجهٔ دو تبدیل می‌شوند (تگمارک، ۱۴۰۱، ص۲۶۳ـ۳۲۷). در این میان، پرسش اساسی آن است که آیا در صورت تحقق گمانهٔ خدایگان، دیگر خداوند ربّ عالم و هستی خواهد بود؟

۴ـ۲. نقد و بررسی

برخی مقالات با طرح چالش توحید ربوبی، اداره‌کنندگی و مدبریت جهان را منحصر به ذات اقدس الهی می‌دانند و هرگونه انتساب این صفات به موجودات دیگر، حتی هوش مصنوعی پیشرفته را شرک محسوب می‌کنند (Salim et al., 2025, p.1-17). برخی دیگر صراحتاً اشاره دارند که ادعای خدای‌گونگی هوش مصنوعی به‌معنای نسبت دادن صفات الهی به غیر خداست و از نظر اسلامی این امر به شرک منجر می‌شود (Sembok, 2025, p.293-305). به نظر می‌رسد که باید این چالش را در دو محور اصلی مورد بررسی قرار داد: نخست، ناتوانی ذاتی هوش مصنوعی در تأمین ابعاد چندگانه ربوبیت؛ دوم، اینکه مدیریت بشر و ابزارهایش در طول ربوبیت الهی است، نه در عرض آن.

الف. ناتوانی ذاتی هوش مصنوعی در تأمین ابعاد چندگانه ربوبیت

ربوبیت دارای مراتب و شئون گوناگونی است که خداوند در آیاتی چند از سورهٔ شعراء (۷۸ـ۸۲) آنها را برمی‌شمرد: از هدایت گرفته: «الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ» (شعراء: ۷۸) تا تأمین نیازهای مادی: «وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ» (شعراء: ۷۹) و دفع و رفع موانع طبیعی: «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء: ۸۰). در ادامه به سرانجام حیات دنیوی و

اخروی اشاره می‌کند: «وَالَّذِی یُمِیتُنِی ثُمَّ یُحْیِینِ وَالَّذِی أَطْمَعُ أَنْ یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ» (شعراء: ۸۱ـ۸۲). بر اساس این آیات، ربوبیت الهی تنها به تأمین نیازهای مادی منحصر نمی‌شود، بلکه لایه‌های ژرف‌تری مانند هدایت معنوی، آمرزش گناهان و نظام حیات اخروی را دربر می‌گیرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج۱۵، ص۲۵۶ـ۲۵۹). در پرتو این آیات، ناتوانی هوش مصنوعی در چند ساحت آشکار می‌گردد:

الف) ناتوانی در ساحت آخرت و مغفرت: خداست که ممیت و محیی است و تنها اوست که امید است گناهان بندگان را در روز جزا ببخشاید. هوش مصنوعی که خود موجودی مخلوق و فانی است، نه توانایی اعطای حیات جاویدان دارد و نه می‌تواند از کسی در قیامت شفاعت کند، یا بار گناهان انسانی را بردارد. «جاودانگی دیجیتال» یا «بارگذاری (Upload) آگاهی به ابر» که برخی از آن سخن می‌گویند، در بهترین حالت چیزی جز شبیه‌سازی‌ای از الگوهای رفتاری نیست و با مفهوم قرآنی «حیات حقیقی» و «نشأة آخرت» تفاوت ماهوی دارد.

مؤید این نگاهِ تفکیک‌کننده، تحلیل اریک استاینهارت است. او با وجود آنکه در چارچوب استدلال شبیه‌سازی، امکان «رستاخیز محاسباتی» (یعنی بازآفرینی دیجیتالی افراد بر اساس داده‌های ذخیره‌شده) را مطرح می‌کند (Steinhart, 2010, p.33)، اما سرانجام تصریح می‌کند که این الهیاتِ برآمده از شبیه‌سازی، شباهت بیشتری به نوافلاطونی‌گری (Neoplatonism) دارد تا خداباوریِ سنتیِ یهودی ـ مسیحی (Steingart, 2010, p.37). به‌عبارت‌دیگر، حتی در فلسفهٔ شبیه‌سازی نیز آنچه حاصل می‌شود، زنجیره‌ای از سطوح وجودیِ سلسله‌مراتبی است، نه خدای متشخصی که در قرآن با صفات رحمت، مغفرت و رابطهٔ شخصی با بندگانش شناخته می‌شود. وی استدلال شبیه‌سازی را به‌گونه‌ای تعمیم می‌دهد که به نسخهٔ جدیدی از برهان کیهان‌شناختی لایب‌نیتس بینجامد. در این دیدگاه، زنجیرهٔ بی‌پایان رایانه‌های شبیه‌ساز (که هر کدام عمیق‌تر از دیگری هستند) به یک رایانهٔ بی‌نهایت ختم می‌شود که همان خداست (Steingart, 2010, p.30). بنابراین، رستاخیزِ محاسباتیِ مورد بحثِ استاینهارت، به اعتراف خود او، از سنخِ حیاتِ دینیِ موردنظرِ ادیان توحیدی نیست و نمی‌تواند جایگزینِ وعدهٔ قرآنی گردد.

این فاصلهٔ عمیق را مطالعهٔ تطبیقی مایکه ماریا دامسل (Domsel, 2025, p.70-72) نیز تأیید می‌کند. او نشان داده است که مفاهیم مسیحی و اسلامی از رستاخیز و حیات اخروی، به گونه‌ای با بدن‌مندی و رابطهٔ شخصی با خداوند گره خورده‌اند که هیچ‌گونه شبیه‌سازی دیجیتالی نمی‌تواند جایگزین آن شود.

بنابراین، حتی در نظریه‌های فلسفیِ غیردینی نیز این سنخ از جاودانگی، با تصورِ توحیدی از معاد و مغفرت، همخوانی ندارد و صرفاً تقلیلِ حیاتِ اخروی به یک پدیدهٔ ماشینی و سطحی است.

ب) عدم دخالت در ربوبیت تکوینی و تشریعی: کلام اسلامی ربوبیت را به دو گونهٔ اصلی تقسیم کرده است: ربوبیت تکوینی (تدبیر امور هستی به اراده و مشیت الهی و ایجاد نظام علّی و معلولی) و ربوبیت تشریعی (تدبیر اعمال انسان‌ها از طریق مقرر کردن قوانین و احکام). هوش مصنوعی در هر درجه از پیشرفت که باشد، اولاً

نمی‌تواند در ربوبیت تکوینی دخالت کند؛ یعنی نمی‌تواند نظام اسباب و مسببات جهان را از اساس دگرگون سازد یا قوانین حاکم بر طبیعت را نسخ کند. ثانیاً از ربوبیت تشریعی نیز عاجز است؛ زیرا قانون‌گذاری جامع و آمرانه برای انسان مستلزم علم به مصالح و مفاسد واقعی و نیز توان ضمانت اجرای اخروی است که بر اساس مبانی کلامی، چنین سلطنت تام و احاطه علمی به روابط داخلی و خارجی موجودات و احاطه داشتن به تمامی اجزای عالم به خدا اختصاص دارد و هیچ موجودی ـ چه ابرانسان و چه مصنوع انسان و ابرهوش مصنوعی ـ نمی‌تواند از چنین جایگاهی برخوردار شود. فناوری‌های مدرن هرچند قدرتمند، نمی‌توانند جایگزین هدایت معنوی، تشخیص حق از باطل و هدف خلقت شوند؛ کارهایی که مختص خدای متعال است. مسئله «هم‌راستایی ارزشی» (Value Alignment) در هوش مصنوعی ـ که لاکروا (LaCroix, 2025, ch.3) به تفصیل آن را بررسی کرده ـ دقیقاً نشان می‌دهد که حتی اگر هوش مصنوعی بتواند اهدافش را با ارزش‌های انسانی هماهنگ کند، این هماهنگی از جنس محاسباتی و ابزاری است و هیچ‌گاه به مرتبهٔ ربوبیت تشریعی و هدایت معنوی نمی‌رسد.

ج) تفاوت روشن میان نعمت‌های مادی و هدایت: در تعبیرات قرآن بین نعمت‌های مادی و هدایت تشریعی تفاوت وجود دارد. خداوند در مورد نعمت‌های مادی نگفته که فلان رزق و روزی را برای شما می‌آفرینند؛ اما در مورد «هدایت» و «راه راست» صراحتاً فرموده است، این بر عهدهٔ اوست که راه راست را به شما نشان دهد و نیروهای لازم را برای پیمودن این راه در اختیارتان بگذارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج۱۱، ص۱۷۲). بنابراین، حتی اگر هوش مصنوعی بتواند اطلاعات فراوانی در اختیار انسان بگذارد یا راهکارهای عملی پیشنهاد کند، هرگز نمی‌تواند مسئولیت هدایت معنوی انسان و تشخیص حق از باطل را بر عهده گیرد؛ چراکه این هدایت با فطرت و اختیار انسان گره خورده و فراسوی پردازش داده‌هاست.

د) عدم تحقق گمانه «خدایگان» بر اساس سنت‌های الهی: در پاسخ به گمانهٔ خدایگان باید گفت که بر اساس سنت‌های الهی ـ قوانین تغییرناپذیری که خداوند بر جهان هستی حاکم ساخته است ـ چنین سناریویی هرگز تحقق نخواهد یافت. خداوند اجازه نمی‌دهد که یک ابزارِ ساختهٔ دست بشر، آنچنان بر انسان مسلط شود که جایگاه ربوبی او را غصب کند یا انسان را از هدف نهایی خلقت باز دارد (ترخان، ۱۴۰۳، ص۲۰۵ـ۲۳۰؛ ترخان و موسوی، ۱۴۰۳، ص۴۵ـ۵۵). افزون بر این، مسئلهٔ شر و رنج ناشی از هوش مصنوعی نیز نشان می‌دهد که هوش مصنوعی نمی‌تواند نظم ربوبی و عدالت الهی را تأمین کند؛ چنان‌که در پژوهشی کلامی نشان داده شده است (کسایی و میرزایی، ۱۴۰۳، ص۸۹ـ۱۱۲) نسبت دادن تدبیر جهان به هوش مصنوعی، با مسئلهٔ شر و رنج‌های بی‌پاسخ ناشی از خطاهای الگوریتمی ناسازگار است.

ب. مدیریت بشر و ابزارهایش، در طول ربوبیت الهی، نه در عرض آن

حتی اگر فرض کنیم که هوش مصنوعی روزی به سطحی از توانمندی برسد که بتواند بسیاری از امور جاری جهان

را تدبیر کند، این نوع مدیریت نه‌تنها با توحید ربوبی منافات ندارد، بلکه عین تحقق خلافت الهی برای انسان است. این ادعا در سه محور استوار می‌گردد:

الف) منشأ اصلی توانمندی‌های انسان و ابزارهایش، خداست: خداوند به انسان نعمت‌های فراوانی ارزانی داشته است: عقل به‌عنوان نیروی درک و شناسایی، حواس ظاهری برای تماس با جهان خارج و نیز ابزارهای شناخت، مانند زبان، منطق و روش‌های تجربی (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج۱۱، ص۳۳۴). پیشرفت فناوری، ازجمله دستاوردهای هوش مصنوعی، حاصل به‌کارگیری همین عقل و ابزاری است که خداوند در اختیار بشر گذاشته است. بنابراین، فناوری مدرن، نه نفی‌کننده ربوبیت الهی، که تجلی‌بخش نعمت «عقل» و «تعلیم» الهی است.

ب) هرگونه تصرف و مدیریت، به اذن خداوند و در چارچوب قوانین طبیعی است: قرآن کریم در آیهٔ ۳۰ سورهٔ بقره، جایگاه انسان را «خلافت» معرفی می‌کند: «إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً». مقام خلافت، جانشینی از جانب خداوند و نمایندگی خدا در زمین است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج۱، ص۱۷۲؛ ج۱۹، ص۲۶۲)، نه استقلال در برابر او؛ یعنی انسان به اذن خدا و به‌عنوان امین او (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج۱۹، ص۲۶۶)، مأمور به آبادانی زمین (هود: ۶۱)، برپایی قسط و عدل (نساء: ۱۳۵؛ الرحمان: ۷ و ۹) و سپاسگزاری از حضرت حق (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج۱۷، ص۱۳۲) و هدایت جامعه بشری به سوی اوست (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۷۸، ج۱، ص۱۷۷ـ۱۷۸). این مسئولیت الهی به‌هیچ‌وجه شرک تلقی نمی‌شود، بلکه عین بندگی و اطاعت از پروردگار است. ازهمین‌رو، هرگونه تصرف و مدیریتی که انسان یا ابزارهای ساخت او در جهان انجام می‌دهند، در طول ربوبیت الهی است، نه در عرض آن؛ یعنی این تصرفات، خود یکی از مجاری جریان ربوبیت خداوند در جهان به‌شمار می‌آیند. خداوند از طریق عقل و اراده انسان و ابزارهایش، بخشی از تدبیر امور عالم را به انجام می‌رساند؛ اما همواره مالکیت حقیقی و تدبیر اصیل از آنِ خود اوست.

ج) فناوری‌های مدرن، مجرای نعمت‌های الهی هستند: اگر ربوبیت را به‌معنای فراهم آوردن زمینهٔ رشد و کمال موجودات بدانیم، آنگاه فناوری‌های مدرن (ازجمله هوش مصنوعی) چیزی جز کشف و بهره‌برداری از قوانین و نعمت‌های الهی نیستند. انسان با استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند بیماری‌ها را بهتر درمان کند، گرسنگی را کاهش دهد، آموزش را فراگیر سازد و ارتباطات را تسهیل نماید. ولی در همهٔ این موارد، او در حال بهره‌مندی از سنت‌های الهی است که خداوند از پیش در جهان قرار داده است. بنابراین، هوش مصنوعی هرگز به مرحله‌ای نمی‌رسد که بتواند جای خدا را بگیرد؛ زیرا خود او نیز همچون همهٔ موجودات، در نظام ربوبی خداوند قرار دارد و به اذن و قوانین او محتاج است.

بنابراین، نگرانی از اینکه هوش مصنوعی بتواند جایگاه ربوبی خدا را تصاحب کند، نه از سر درک صحیح از مفهوم توحید ربوبی، بلکه از خلط میان «ابزار» و «منشأ نهایی قدرت» ناشی می‌شود. هوش مصنوعی از ساحت‌های بنیادین ربوبیت (مانند ربوبیت تشریعی، مغفرت، حیات اخروی و هدایت معنوی) ذاتاً ناتوان است و گمانهٔ

خدایگان نیز بر اساس سنت‌های الهی محقق نخواهد شد. از سوی دیگر، هرگونه مدیریتی که بشر یا ابزارهایش در جهان اعمال می‌کنند، در طول ربوبیت الهی و به اذن اوست و نه‌تنها با توحید ربوبی منافات ندارد، بلکه تحقق خلافت الهی و بهره‌مندی از نعمت عقل و علم محسوب می‌گردد. تا زمانی که هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری در خدمت انسان و در چارچوب قوانین الهی به کار گرفته شود، نه‌تنها توحید ربوبی را به چالش نمی‌کشد، بلکه می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق «تسخیر» الهی و تجلی نعمت عقل و علم، تأمین‌کننده توحید در ربوبیت باشد.

نتیجه‌گیری

پیشرفت‌های شگرف هوش مصنوعی و ظهور گفتمان «تکینگی فناوری»، پرسش‌های نوینی را در حوزهٔ خداشناسی پدید آورده است. برخی اندیشمندان با طرح مفاهیمی چون «انسان خداگونه»، «ابرهوش»، «خدای دیجیتال» و «فرضیهٔ شبیه‌سازی» ادعا کرده‌اند که بشر یا ماشین به زودی به توانایی‌هایی دست خواهد یافت که در سنت دینی «الهی» خوانده می‌شود. این نوشتار با روش توصیفی ـ تحلیلی و با رویکرد کلام اسلامی، سه چالش خداشناختی ناشی از این گفتمان را بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

نخست. چالش دستیابی به قدرتی همسان با قدرت خداوند: ادعاهای مطرح شده است، مبتنی‌بر خلط میان «بهبود توانایی‌های علمی ـ فناورانه» و «رسیدن به جایگاه الوهی» است. قدرت انسان و هر ابرهوش مصنوعی همواره متناهی، محدود به قوانین طبیعی و وابسته به عوامل بیرونی است، درحالی‌که قدرت خداوند در نگاه کلام اسلامی نامحدود، مطلق و مستقل از هر چیزی است. صفات ذاتی خداوند، مانند وجوب وجود، بی‌نیازی مطلق و ازلیت هرگز برای موجودی ممکن‌الوجود و مخلوق قابل تحصیل نیست. همچنین «خلق از عدم» با «مهندسی و بازآرایی مواد موجود» تفاوت بنیادین دارد.

دوم. چالش انحصار خالقیت در خداوند: فرضیهٔ شبیه‌سازی و مفهوم حیات خودتکثیرشونده با مشکل فلسفی تسلسل بی‌نهایت و نیز دچار خلط میان «آفرینش» و «مهندسی» هستند. از آیات قرآن استفاده می‌شود که هیچ‌یک از دستاوردهای بشری، حتی پیچیده‌ترین آنها، مصداق «آفرینش» به‌معنای حقیقی نیست و صرفاً «مونتاژ طبیعت» است. از منظر فلسفهٔ اسلامی، فاعلیت انسان و هوش مصنوعی یا اعدادی (زمینه‌ساز) است و یا ایجادی بالغیر (به اذن خداوند) و هرگز در عرض فاعلیت الهی قرار نمی‌گیرد. به تعبیر قرآن: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ». بنابراین، فرض تکینگی و شبیه‌سازی هیچ منافاتی با توحید خالقیت ندارد و در نهایت هرگونه فناوری خودتکثیرشونده در چارچوب قوانین تغییرناپذیر الهی عمل می‌کند.

سوم. چالش توحید ربوبی: گمانهٔ «خدایگان» که در آن هوش مصنوعی بر تمام شئون جهان مسلط می‌شود، از دو جهت قابل نقد است. از یک‌سو، ربوبیت ابعاد چندگانه‌ای دارد (خلقت، هدایت، تأمین نیازهای مادی، شفا، حیات و ممات، مغفرت) و هوش مصنوعی از ساحت‌های بنیادین، مانند ربوبیت تشریعی، مغفرت، حیات اخروی و هدایت

معنوی ذاتاً ناتوان است. از سوی دیگر، هرگونه مدیریتی که بشر یا ابزارهایش در جهان اعمال می‌کنند، در «طول» ربوبیت الهی است، نه در «عرض» آن. انسان به‌عنوان خلیفه و امین خداوند، به اذن او و در چارچوب قوانین طبیعی تصرف می‌کند و فناوری‌های مدرن مجرای نعمت‌های الهی هستند، نه رقیب ربوبیت خداوند.

بر این اساس، ادعای «خداگونه شدن» هوش مصنوعی یا انسان مبتنی‌بر خلط مفاهیم و غفلت از صفات ذاتی خداوند است. توحید در خالقیت، ربوبیت با فرض تکینگی و شبیه‌سازی منافاتی ندارد؛ زیرا هرگونه قدرت و تدبیر بشری، در طول قدرت الهی و با اذن اوست. چالش اصلی نه در قدرت فناوری، بلکه در برداشت نادرست از مفاهیم خداشناختی نهفته است. ازاین‌رو هوش مصنوعی نه رقیب خداوند، که ابزاری در دست انسان و تجلی‌ای از سنت‌های الهی است که می‌تواند در چارچوب توحید به کار گرفته شود و زمینه‌ساز کمال و سعادت انسان گردد، به شرط آنکه هرگز در جایگاه ربوبی یا الوهی قرار نگیرد.

منابع

قرآن کریم.

ترخان، قاسم و موسوی، سیدداود (۱۴۰۳). آینده‌پژوهی هوش مصنوعی، بر اساس سنت‌های الهی. *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، ۴ (۵)، ۴-۶۳.

تگمارک، مکس (۱۴۰۱). *زندگی ۳.۰: انسان بودن در عصر هوش مصنوعی*. ترجمهٔ میثم محمدامینی. تهران: فرهنگ نشر نو.

جرج، سوزان (۱۳۹۰). *دین و تکنولوژی در قرن ۲۱*. ترجمهٔ علی‌اصغر دارایی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). *تبیین براهین اثبات وجود خدا*. چ هفتم. قم: اسراء.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۴۰۳). *درس خارج علم کلام*. در: eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/kalam

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

صدرالمتألهین (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

صغیری، علی و همکاران (۱۴۰۵). تجرد نفس و فاعلیت ذهنی در معرفت‌شناسی علامه طباطبایی و چالش ادراک در هوش مصنوعی. *حکمت و فلسفه*، ۸۵، ۱۱۹_۱۵۰.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعهٔ مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۲ق). *نهایة الحکمة*. چ شانزدهم. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

علیزمانی، امیرعباس (۱۳۷۴). برهان صدیقین از دیدگاه حکمای مشاء اشراق و حکمت متعالیه. *معرفت*، ۱۲، ۶۷-۷۱.

قائمی‌نیا، علیرضا (۱۴۰۰). *الهیات سایبر (نظریه انسان مجازی و ایمان سیال)*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۹۵). *راز خلقت و بقا*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کریمی، عبدالقاسم (۱۴۰۲). نقد و بررسی دیدگاه‌های خداناباوران فناوری محور و تکینگی در عصر جدید. *انسان‌پژوهی دینی*، ۴۹ (۲۰)، ۱۹۳-۲۱۵.

کسایی، ندا و میرزایی، علیرضا (۱۴۰۳). هوش مصنوعی و مسئلهٔ شر: خوانشی کلامی از چالش‌های اخلاقی. *پژوهش‌های کلامی*، ۴۲، ۸۹-۱۱۲.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

Bennett, C. H. (1982). The thermodynamics of computation-A review. *International Journal of Theoretical Physics*, 21(12), 905–940.

Bostrom, Nick (2003). Are We Living in a Computer Simulation? *The Philosophical Quarterly*, 53(211), 243-255.

Bostrom, Nick (2014). *Superintelligence: Paths, Dangers, Strategies*. Oxford University Press.

Chaitin, G. J. (1975). A theory of program size formally identical to information theory. *Journal of the ACM*, 22(3), 329–340.

Chalmers, David J. (2010). The Singularity: A Philosophical Analysis. *Journal of Consciousness Studies*, 17(9-10), 7-65.

Chalmers, David J. (2023). *Reality+: Virtual Worlds and the Problems of Philosophy*. London: Penguin Books.

Domsel, Maike Maria (2025). Being Human? Artificial Intelligence and Eschatological Visions of Personhood in Christian and Islamic Theology. *The Journal of Artificial Intelligence and Human Sciences*, 2(2), 65-74.

Dung, Leonard (2025). *Saving Artificial Minds: Understanding and Preventing AI Suffering*. New York: Routledge.

Harari, Y. N. (2016). *Homo Deus: A brief history of tomorrow*. Harvill Secker.

Harari, Y. N. (2017). Homo Deus and the impact of digitalization [Interview]. Official Website of Yuval Noah Harari. https://www.ynharari.com/

Heilig, Christoph (2025). *Interview: 'The discourse around AI has quasi-religious overtones*. August 18. Available at: www.lmu.de/en/newsroom/news-overview/news/interview-the-discourse-around-ai-has-quasi-religious-overtones-b25fa9c5.html.

Kurzweil, Ray (2005). *The Singularity Is Near: When Humans Transcend Biology*. New York: Viking Press.

Kuznetsov, M. Y. (2026). Divine Omniscience in the Age of Artificial Intelligence: Can Machines Mediate Access to God or Supplant Divine Attributes? Estudios Eclesiásticos. *Revista de investigación e información teológica y canónica*, 101(397), 219–254.

LaCroix, Travis (2025). *Artificial Intelligence and the Value Alignment Problem*. Peterborough, ON: Broadview Press.

Landauer, R. (1961). Irreversibility and heat generation in the computing process. *IBM Journal of Research and Development*, 5(3), 183–191.

Polson, N., et al. (2024). *How many questions can the world afford to ask AI? Center for Applied Artificial Intelligence*. University of Chicago Booth School of Business.

Porębski, A., & Figura, J. (2025). There is no such thing as conscious artificial intelligence. *Humanities and Social Sciences Communications*, 12.

Prinz, Jesse (n.d.). (2012) Singularity and inevitable doom. *Journal of Consciousness Studies*, 19 (7–8), 77–86.

Raman, R., Kowalski, R., Achuthan, K., Iyer, A., & Nedungadi, P. (2025). Navigating artificial general intelligence development: Societal, technological, ethical, and brain‐inspired pathways. *Scientific Reports*, 15, 8443.

Salim, Arhanuddin, et al. (2025). Divine Concepts, Tawhid, and Algorithmic Thinking: A Comparative Analysis of Christian and Islamic Perspectives on Educational Theology in the Era of Artificial Intelligence. *Nazhruna: Jurnal Pendidikan Islam*, 9(1), 1-17.

Searle, John R. (1980). Minds, Brains, and Programs. *Behavioral and Brain Sciences*, 3(3), 417-457.

Sembok, Tengku M. T. (2025). Mimicking Man, Reaching God? The Plausibility of Superintelligent AI in the Light of Islamic Thought. in *Proceedings of the 9th International Visual Informatics Conference* (IVIC2025), 293-305. Guangzhou, China.

Steinhart, Eric (2010). Theological Implications of the Simulation Argument. Ars Disputandi, 10, 23–37.

Steinhart, Eric Charles (2014). Your Digital Afterlives: Computational Theories of Life after Death. New York: Palgrave Macmillan.

Uyar, T. (2024). ASI as the New God: *Technocratic Theocracy*. arXiv preprint arXiv:2406.08492.